

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: ۰۰۳۵۸ ۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E-mail: abdolgolparian@gmail.com

ایسکرا

۶۴۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ آبان ۱۳۹۱، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲

سرمد عبدال گلپریان

تهدید به اعتراض ۷۰۰ کارگر تعاونی مسکن تعمیر کاران اتومبیل سنندج



صفحه ۴

بنا به خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۷۰۰ کارگر تعاونی مسکن تعمیرکاران اتومبیل شهر سنندج خواهان رسیدگی فوری به خواست های خود شدند. بنا به این گزارش تعاونی مسکن کارگران تعمیرکار اتومبیل سنندج که در سال ۷۹ تشکیل شد،

ده نفر از محکومین به اعدام از کردستان ساعت ده صبح روز سه شنبه ۱۳ نوامبر از زندان رجایی شهر به نقطه نامعلومی انتقال داده شدند. احتمال اعدام ده نفر از جوانان از کردستان به اتهام فعالیت مذهبی

طبق خبری که از زندان رجایی شهر به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، مامورین زندان رجایی شهر به ده نفر از محکومین به اعدام از کردستان گفته اند که وسایل خود را جمع کرده و با آنها بروند. این افراد عبارتند از:
هوشیار محمدی متولد ۱۳۶۳ مجرد ساکن سنندج
جمشید دهقانی
جهانگیر دهقانی ۲۹ ساله مجرد ساکن سنندج
اصغر رحیمی سی ساله متأهل ساکن سنندج
بهنام رحیمی متولد ۱۳۶۰ متأهل ساکن سنندج
بهرام احمدی ساکن سنندج بهرام در زمان

صفحه ۳

ماشین کشتار و اعدام را متوقف کنیم

جمهوری توحش اسلامی بار دیگر دستگاه آدم کشی اش را فعالانه به جریان انداخته و هر روز شماری از جوانان را به دار میکشد. تنها در دو روز گذشته بیش از بیست نفر اعدام شده اند. گزارشها گویای اینست که حکومت بیش از سه هزار زندانی را در صف اعدام

صفحه ۳

در حاشیه اعتراض و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ترکیه



ناصر اصغری

معلم دارد درباره چه حرف می زند، گامها از بقیه عقب بودیم. این مشکل فقط مشکل ما نبود، مشکل میلیونها کودک دیگری نیز بود و هنوز هم هست که در يك خانواده ای به دنیا آمده بودند که پدر و مادرشان با زبانی غیر از فارسی با آنها راحت بوده صحبت کنند. کودکانی که به شیر، گریه، سگ و مامان و بابا و دیگر الفاظ شیرین کودکی، با زبانی به غیر از فارسی آشنا هستند. این کودکان کسانی اند که ابتدائی ترین حقشان که مرادده به زبان مادریشان است از آنها دریغ شده است. اما اشتباه است اگر فکر کنیم این فقط ایران و یا کشورهای مثل ایران و ترکیه است که چنین زورگوئیهایی را به کودکان اعمال می کنند. در خود کانادا که اکنون پسر ما باید با زبان فرانسوی سر و کله بزند، کودکان بومیان سرخپوست را در سنین کودکی از والدینشان جدا می کردند و در کمپهای مخصوصی وادار می کردند که با زبان انگلیسی و یا فرانسوی دنیا را بشناسند! دنیا اما از فرهنگ و زورگوئی نوع فتودالی مدتهاست فاصله گرفته است. این فرهنگ عهد بوقی در جاهایی مثل ایران و ترکیه اما هنوز جان سختی می کند.

چندین دهه است که زندانهای ترکیه مملوست از زندانیانی که خواسته اند در دادگاه به زبان کردی از خود دفاع کنند. مملوست از زندانیانی که گفته اند دوست دارند

صفحه ۲

وقتی که پسر ما اولین جزوه تکالیف مدرسه اش از موضوع " زبان فرانسوی" را به خانه آورد، هم من و هم مادرش ماندم که چگونه کمکش کنیم. معمولا در مواقعی که با درسهای دیگرش که انگلیسی هستند با مشکلی بر می خورد، یا من و یا مادرش به کمکش می رفتیم؛ اما این یکی را نه من چیزی از آن سر در می آوردم و نه کس دیگری در روابط پیرامونی مان. خودبخود به یاد دوران کودکی ام افتادم وقتی که اولین روزی که به مدرسه رفتم، با عمومی هم سنم وارد کلاس درس شدیم که تمامی بیش از ۳۰ دانش آموز دیگر ترک زبان بودند و معلم که سعی می کرد خود و کلاس و غیره را به ما معرفی کند ابتدا با زبان فارسی با ما حرف زد که دید نمی فهمیم چه می گوید، خواست با ترکی با ما مرادده کند که باز هم مشکلی حل نشد. ما را به حال خود رها کرد. روزهای زیادی مثل دو آدم کر و لال سر کلاس درس می نشستیم و به دهان معلم خیره می شدیم. بعدا که متوجه شدیم

صفحه ۴

اخبار کارگری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

زندگی نامه من (بخش چهارم) / سهیلا شریفی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در حاشیه اعتراض و اعتصاب ...



کودکانشان به زبان مادری در مدرسه درس بخوانند، مملوست از زندانیانی که در خیابان با پلیس بر سر ابتدائی ترین موضوعات درگیر شده و با زبان کردی به آنها چیزی گفته اند. مملوست از کسانی که به خبرنگار فلان روزنامه و رسانه نان به نرخ روز خور گفته که مادرم نمی تواند با من ترکی حرف بزند. این واقعیت زندگی در ترکیه امروزی است که هزاران انسان بخاطر ابتدائی و طبیعی ترین حق باید در زندانها جان بکنند!

از اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته تا سال ۱۹۹۹، صدها تن از اعضای احزاب سیاسی اپوزیسیون در کردستان توسط دسته های متخصص ترور و پلیس سیاسی مخفی ترور شدند. صدها فعال سیاسی با بدترین شرایط زندان و شکنجه روبرو شدند. از سال ۹۹ تا کنون گرچه مسئله کرد هنوز لاینحل مانده اما حداقل فعالان ترورها در دستور دولت ترکیه نیستند. اما از سال ۲۰۰۹ تا کنون، بیش از ۸۰۰ نفر از وکلا، دانشگاهیان، خبرنگاران و نویسندگان کرد زبان در ترکیه به دنبال پرونده سرکوب و از بین بردن PKK و KCK دستگیر و به زندانهای ترکیه افتاده اند.

اعتراض و اعتصاب غذا به ستم ملی در کردستان ترکیه

بیش از ۷۰۰ زندانی سیاسی کرد زبان در ترکیه و به حمایت از آنها دهها هزار مردم شهرهای مناطق کردنشین این کشور از روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲ دست به اعتراض و اعتصاب غذا زده اند.

اند. تظاهراتهای مهمی در همبستگی از اعتصاب و اعتراض این زندانیان سیاسی در دانشگاههای مهم استانبول و آنکارا سازمان داده شده اند. ما در ترکیه تاریخا شاهد چنین همبستگی هایی به این وسعت نبوده ایم. گرچه PKK بعنوان نیروی اصلی طرف دولت ترکیه برای اعتراض به بی حقوقی مردم کرد زبان شناخته شده است، و در بین بخش وسیعی از مردم ترکیه، بخصوص بخش غیر کرد زبان، بدنام است، اما بخش بسیار وسیعی از مردم این کشور به این نتیجه رسیده اند که حل مسئله کرد راه حل نظامی ندارد. این موضوع در بین خود هیأت حاکمه هم منعکس شده و مذاکراتی پشت پرده بین PKK و دولت ترکیه در جریان بوده و از نظر دولت ترکیه هم حل مسئله کرد و یا به معنای دیگری سرکوب مطالبات مردم کرد زبان، راه حل نظامی ندارد!

معامله بر سر مسئله کرد

در کنار بی حقوقی مطلق مردم کرد زبان کردستان ترکیه، چه در محافل هیأت حاکمه، از اسلاميون و هم کمالیستها و چه در بین تحلیلگران سیاسی، دائم با این گفته مشتمن کننده روبروئیم که "بی حقوقی مردم مناطق کردنشین و کنار نیامدن با احزاب ناسیونالیستی کردستانی، سدی است بر سر راه ورود ترکیه به بازار مشترک و اتحادیه اروپا!" انگار فقط نگرانی از ورود ترکیه به بازار مشترک اروپا و آن اتحادیه است که باید فکری هم به بی حقوقی مطلق سیاسی بیش از ۳۰ میلیون مردم در این کشور کرد! انگار فقط نگرانی از این معامله است که باید به این هم اندیشید که با زندانیان سیاسی وحشیانه برخورد نکرد!

راه حل مسئله کرد

تا جایی که به خود مسئله کرد برمی گردد، عدم سرکوب بخاطر خواستن مکالمه به زبان مادری و آزادیهای سیاسی و فرهنگی، و حق برابر شهروندی، گام اولی است در راه

حل این مسئله. منتها این مسئله صرفا با ژاندارم شدن مقامات محلی جواب درخور برای مردم این منطقه به ارمغان نخواهد آورد. مسئله کرد که در عراق ظاهرا حل شده است، اما واضح است که کسانی که اکنون در این جغرافیا حکومت می رانند، زندگی را بر مردم این کشور راحت تر از زمان صدام حسین نکرده اند. ما در برنامه "یک دنیای بهتر" درباره حل مسئله کرد گفته ایم: "نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام فهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک فرزندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. ...

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت. ...

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه ای برای دانمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در یک چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی هاط ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در آینده ارزیابی میکند.

حزب کمونیست کارگری هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفا

بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجرا گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میدانند."

اشاره به راه حل حزب کمونیست کارگری در این رابطه از این جهت مهم است که گروههای ناسیونالیست دخیل در کردستان ترکیه از جمله KCK، PKK و BDP به نوعی مشغول مذاکره و رایزنی های پشت پرده با دولت ترکیه و مشخصا با حزب اسلامی AKP هستند. این شیوه شاید راه حلی برای محکم شدن پای این احزاب در بخشی از هیأت حاکمه ترکیه باشد، اما ابدارهاییاتی به زندگی مردم این منطقه معرفی نخواهد کرد. "راه حل" های نوع مسعود بارزانی و احزاب و محافل قومپرست در کردستان ایران را نه ما در ایران قبول می کنیم و نه آن را به مردم کرد زبان مناطق کردنشین ترکیه توصیه می کنیم.

اعتصاب غذا بهترین شیوه اعتراض نیست

اعتصاب غذا به هیچ وجه شیوه درستی در مبارزه سیاسی نیست. اعتصاب غذا آسیبهای جدی ای به سلامتی جسمی و روحی زندانیان وارد می کند. اگر بشود اعتراضاتی مثل اعتراضی که هم اکنون در بیرون از زندانهای ترکیه به راه افتاده است را سازمان داد، این بهترین شیوه مبارزه است. من اما اعتصاب غذای این زندانیان را نه محکوم می کنم و نه مورد شمات قرار می دهم. یکی از زندانیان اعتصابی از دیاربکر طی نامه ای که در روزنامه های ترکیه نیز انعکاس وسیعی یافته است، نوشته بود: "در این چهاردیواری کار دیگری از دستمان ساخته نیست. مجبوریم با ذوب کردن بدنمان پیغاممان را به بیرون از زندان انتقال دهیم." باید این پیغام زندانیان سیاسی را به همه رساند. باید از همه خواست که از مطالبات این زندانیان سیاسی بدون قید و شرط دفاع و حمایت کنند. اعتصاب زندانیان سیاسی مذکور و مطالباتشان شایسته بیشترین حمایتها هستند.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

از صفحه ۱ ده نفر از محکومین به اعدام از کردستان ...

دستگیری زیر هیجده سال سن داشت
محد ظاهر بهمنی

کمال مولایی متولد ۱۳۶۳ ساکن سنندج
کیوان زند کریمی متولد ۱۳۶۴ مجرد ساکن
سنندج

حامد احمدی متولد ۱۳۶۰ متاهل ساکن سنندج
این ده نفر از فعالین مذهبی در کردستان بوده و
حکم اعدام آنها ۲۲ ماه پیش صادر شده است. همه این
محکومین به اعدام به احکام جنایتکارانه صادره
اعتراض کرده بودند. در زندان رجایی شهر طبق اخباری
که به ما رسیده است ۱۶۰ فعال مذهبی محکوم به
اعدام هستند که رژیم ظاهرا قصد اجرای حکم اعدام
همه آنها را دارد.

هم بندیها و همچنین زندانیان زندان رجایی شهر،
زندانیان سیاسی رجایی شهر به همه مردم ایران و جهان
هشدار میدهند حکومت اسلامی ایران در صدد اجرای
حکم اعدام این ده نفر است. باید فوراً کاری کرد!

این افراد یکسال در سلولهای انفرادی بازداشتگاه
ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج بوده و سپس به بند
۲۰۹ اوین منتقل شده و در تیر ماه سال ۱۳۹۰ در
تهران و در دادگاه انقلاب شهر تهران به ریاست قاضی
مقیسه به اعدام محکوم شده اند. آنها سپس به زندان
رجایی شهر منتقل شده اند

این افراد فاقد وکیل بوده و زیر شکنجه و رفتار
وحشیانه زندانبانان مجبور به اعتراف شده اند حکم آنها
در دیوان عالی حکومت اسلامی تایید شده و به دایره

اجرای احکام زندان رجایی شهر ارسال شده بود.

روز سه شنبه ۱۳ نوامبر ساعت ده صبح به زندانیان
محکوم به اعدام گفته شده که وسایل خود را جمع کرده
و بروند. زندانیان دیگر از رجایی شهر حدس میزنند آنها
را به زندان اوین برای اجرای حکم اعدام برده اند و یا
اینکه برای اجرای حکم به کردستان انتقال داده اند.
زندانیان و هم بندیهای این ده نفر از همه مردم ایران از
مردم سنندج و همه معترضین به اعدام در دنیا
میخواهند که به این جنایتکاری حکومت اسلامی
اعتراض شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه شما عزیزان از
فعالین سیاسی و از احزاب و سازمانهای سیاسی دعوت
میکند فوراً به این زمینه سازی قتل عمد ده نفر به اتهام
فعالیت مذهبی اعتراض کنند. با نمایندگان دولتها در
کشورهای اروپایی، با پارلمان اروپا و با کمیسیونهای
حقوق بشر فوراً تماس بگیرید. اگر برایتان امکان پذیر
است فوراً در مقابل سفارتخانه های حکومت اسلامی
ایران تجمع کنید و همه باهم کاری کنیم که جلوی این
جنایات را بگیریم، حکومت اسلامی ایران در صدد
اجرای احکام اعدام تعداد زیادی از محکومین به اعدام
است. باید کاری کرد که جنایان حاکم بر ایران جرات
نکنند جوانان و معترضین را اعدام کنند.

به این احکام جنایتکارانه متحذانه اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ نوامبر ۲۰۱۲

از صفحه ۱ ماشین کشتار و اعدام ...

اسلامی میکشد تا جامعه را
مرعوب کند و جلو خیزش مردم را
بگیرد. جنایتکاران میدانند که بر
امواج خشم مردم نشسته اند.
میدانند که هر لحظه مردم فرجه ای
پیدا کنند بساطشان را برای همیشه
در هم خواهند پیچید. تجمع
اعتراضی خانواده های محکوم به
اعدام در مقابل بیت رهبری نشان
داد که علیرغم همه این وحشیگری
ها جامعه مرعوب اعدام ها نشده
است. مزدوران حکومت تنها با
تهدید به شلیک به سینه مادران و
پدرانی که آخرین ملاقات را با
فرزندان خود انجام داده بودند
توانستند مردم خشمگین را
پراکنده کنند و فرزندانشان را به
قتل برسانند.

بیش از ۳۰۰۰ نفر در زندان
های رژیم به اعدام محکوم شده اند و
هر هفته تعدادی از آنها بدست
جلادان حکومت به قتل میرسند.
باید آنها را نجات داد. باید این
سیاست را شکست داد و فضا را
عوض کرد. این امکانپذیر است.
مردم ایران و جهان، کلیه نیروهای
مخالف حکومت و هر حزب و
سازمانی که خود را اپوزیسیون
حکومت میدانند باید با تمام قدرت
علیه اعدام ها قد علم کند و موجی
از اعتراض در ایران و در سراسر
جهان به راه بیفتد تا به این بساط
پایان داده شود.

حزب کمونیست کارگری با تمام
قوا علیه اعدام ها میایستد و همه
مردم شریف و معترض، کلیه
سازمانها و نیروهای اپوزیسیون و
افکار عمومی جهان را به مقابله با
جمهوری اسلامی و سیاست های
جنایتکارانه اش فرامیخواند.
جمهوری اسلامی را میتوان در این
عرصه نیز شکست داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آبان ۱۳۹۱
۸ نوامبر ۲۰۱۲

نیروی انتظامی دسته دسته
مردم را به بهانه های مختلف زندانی
میکند و دستگاه کثیف قوه قضائیه
آنها را به شلاق و شکنجه و اعدام
محکوم میکند. جرمی که به
زندانیان نسبت داده میشود عمدتاً
اعتیاد و یا توزیع مواد مخدر است.
بسیاری از اینها جوانانی هستند که
به دلیل فقر و بیکاری، تحقیر و
بی حقوقی، نداشتن شادی و تفریح و
سرگرمی، دشواری های کمرشکن
زندگی و نداشتن دورنمایی برای
زندگی به اعتیاد رو میاورند، بجای
مداوا مورد اذیت و آزار نیروهای
انتظامی قرار میگیرند و بعنوان
مجرم دستگیر و اعدام میشوند.
بسیاری حتی معتاد هم نیستند.
جوانان معترضی هستند که با ایدای
و مزدوران حکومت در افتاده اند و
دستگاه آدم کشی حاکم برچسبی به
آنها میکوبد و بعد محکوم به
اعدامشان میکند. رژیم هرچه
بیشتر در باتلاق بحران و تشتت و
انزوای سیاسی فرو میرود و هر چه
بیشتر از خیزش مردم به وحشت می
افتد، نیاز به آدمکشی بیشتری پیدا
میکند. کشتن زندانیان آنهم با
اتهامات واهی و با اعتراف گیری
زیر ضرب و شتم و شکنجه، اساساً
نشانه هراس حکومت از مردم به
جان آمده است.

جلوی این کشتار را میتوان و
باید گرفت. میتوان و باید فعالانه
برای جلوگیری از کشتار عزیزان
مردم توسط گرگهای خون آشام حاکم
به جریان انداخت. نباید اجازه داد که
حاکمین اسلامی سرمایه اینچنین
بیرحمانه و خونسردانه هرروز جان
عده ای از جوانان را بگیرند. این
دستگاه قرون وسطائی و ضد بشری
را باید متوقف کرد. اعدام به هر
بهانه و دلیل و در هر شرایطی که
صورت گیرد، یک سنت وحشیانه و
قتل عمد دولتی است و باید از تمام
جوامع بشری جارو شود. امروز بر
هرکسی روشن است که جمهوری

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

Free jailed workers in Iran



Mohammad Jarahi



Reza Shahabi



Ali Nejati



Shahrokh Zamani



Ali Akhavan



Rasoul Bodaghi



Behnam Ebrahimzadeh

FREE THEM NOW!

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

تهدید به اعتراض ۷۰۰ کارگر

از صفحه ۱

سپیناهی برای خود و خانواده هایشان شوند. اکنون ۱۲ سال از پرداخت این پول توسط کارگران می گذرد اما هیئت مدیره قبلی نه تنها زمینهای خریداری شده را در اختیار کارگران قرار نداده است بلکه از ۲۶ هکتار زمین خریداری شده فقط ۴ هکتار آن در اختیار هیئت مدیره جدید قرار داده شده و احتمالاً ۲۲ هکتار آن توسط هیئت مدیره سابق به فروش رفته است. کارگران عضو این تعاونی از هیئت مدیره سابق شکایت کرده اند و دادگاه رای بر برائت رئیس هیئت مدیره سابق داده است. کارگران در حال بررسی راههای اعتراض برای گرفتن حق و حقوق خود میباشند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۳۹۱
۱۰ نوامبر ۲۰۱۲

سیستم قضائی و قضات
حکومت در سندج با اعلام رای
برائت از رئیس هیئت مدیره سابق
که دسترنج کارگران را با حقه و وعده

نه اتمی نه تحریم، زندگی انسانی

کارگران! مردم شریف!

اگر ما مردم فعالانه و متحدانه برای دفاع از زندگی خود پا به میدان ننگذاریم، سیر اوضاع و سیاستهای حکومت اسلامی هرروز ما را بیشتر به فقر و بیکاری و تباهی خواهد کشاند و حتی احتمال شعله ور شدن جنگ و تقابل نظامی نیز منتفی نیست. باید از نان و زندگی و ایمنی خود دفاع کنیم. ما نه انرژی هسته ای میخواهیم و نه مسئول درهم ریختگی اقتصادی هستیم. باید نسبت به این گرانی سرسام آور و هرروز فزاینده اعتراض کنیم! نسبت به بیکاری میلیونی و نبود بیمه و تأمینات اجتماعی اعتراض کنیم. به حقوقها و دستمزدهای نازل اعتراض کنیم! قبض های آب و برق و گاز و طلبهای دولتی را نپردازیم! به حکومتیان بگوییم و اعلام کنیم که یک ذره حاضر نیستیم به خاطر ماجراجویی های رژیم از نان شب و نیازهای اولیه مان بزنیم! با اعتراضات هرروزه خود فضا را بر این حکومت آیت الله های میلیاردر و سرمایه داران مفتخور تنگ کنیم. و با قیام و انقلابمان کار آنها را تمام کنیم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مهر ۱۳۹۱، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۲

ماه برای دومین بار در اعتراض جهت دریافت حقوق های معوقه دست به اعتصاب زده بودند با پرداخت دو ماه حقوق از طرف کارفرما روز شنبه ۱۳ آبان به سر کارهایشان بازگشتند. کارگران این شرکت تهدید کرده اند اگر کارفرما عیدی و پاداش سال گذشته را به آنها نپردازد بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد.

برکناری اجباری اعضای هیئت رئیسه مجمع عمومی کارگران خباز سندج

اداره کار رژیم دو نفر از اعضای هیئت رئیسه منتخب مجمع عمومی کارگران خباز شهر سندج را برکنار کرده و به جای آنان دو نفر دیگر از عوامل خود را بکار گمارده است.

طبق خبر دریافتی از سندج اداره کار رژیم "جلیل شهابی" رئیس هیئت مدیره منتخب کارگران را که در مجمع عمومی کارگران بیشترین آراء را کسب کرده بود برکنار کرده و بجای وی "محمی الدین صالحی" از عوامل ادا کار را در این سمت قرار داده است. به دنبال این اقدام حدود ۱۰۰ نفر از کارگران با امضای یک نامه اعتراضی و تسلیم آن به مسئولین اداره کار این اقدام ضد کارگری را محکوم کردند. لازم به یادآوری است که مجمع عمومی کارگران خباز سندج در تاریخ دوم آبانماه سال جاری برگزار شد.*



همسرش در این شعبه محاکمه شده بود.

همچنین دادگاه انقلاب سندج در رابطه با پرونده علی نجاتی اعلام کرده است که از آنجایی که محل وقوع جرم (خواندن آواز لری و ارتباط با کارگران در کردستان!!!) در استان کردستان واقع است بنابراین دادگستری شوش صلاحیت بررسی این پرونده را نداشته و نامبرده بایستی در سندج محاکمه شود. وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در شعبه ۲ دادیاری دادگستری شوش مورد بازپرسی قرار گرفته بود.

کمیته ی هماهنگی، ضمن تبریک تبرئه شهناز سگوند، این گونه اقدامات را در راستای فشار بر کارگران و فعالان کارگری دانسته و همچنین احضار علی نجاتی به اتهامات واهی را محکوم کرده و خواهان رفع هر گونه تعقیب قضائی از نامبرده و آزادی سایر کارگران و فعالان کارگری در بند می باشد.

شرکت جهاد توسعه پیمانکار سد بنیر بازگشت به کار کارگران
کارگران شرکت جهاد توسعه پیمانکار سد بنیر واقع در ۵ کیلومتری روستای نگل از توابع شهرستان مریوان که در روز ۸ آبان

کشته و زخمی شدن پنج کارگر در مهاباد

عصر روز سه شنبه ۱۶ آبانماه، در جریان احداث يك ساختمان در مهاباد ۲ کارگرجانشان را از دست دادند و ۳ تن دیگر نیز مجروح شدند. این حادثه در شهرک صنفی کاوه این شهرستان زمانی روی داد که کارگران در حال بتن ریزی ستونهای طبقه اول يك ساختمان بودند. در این حادثه سقف این ساختمان که به تازگی بتن ریزی شده بود فرو ریخت و بر اثر آن دو تن از کارگران که در زیر آن در حال کار بودند جان خود را از دست داده و سه تن دیگر از کارگرانی که در بالای این سقف بودند نیز مجروح شدند که بلافاصله به بیمارستان مهاباد انتقال یافتند.

تبرئه شهناز سگوند و ارجاع پرونده علی نجاتی به دادگاه سندج

به گزارش رسیده، شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی دادگستری شوش طی حکمی شهناز سگوند (همسر علی نجاتی) را از اتهامات وارده تبرئه کرد. نامبرده در تاریخ ۷ آبان به اتهام نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه های خارجی در رابطه با وضعیت

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری پیوندید!



زندگی نامه من

(بخش چهارم)

شوخی می کردند، از ماجراهای زندان تعریف کنند. حامد در حالی که می خندید به مهران می گفت "یادت می آید که توالی رفتن را ممنوع کردند. طفلی سیامک چقدر ناراحت شد." بعد رو می کرد به علی یا من و از چشمه‌ایمان می خواند که می خواهم ماجرای وقتی که توالی رفتن ممنوع شد را بشنویم و ادامه می داد "ناکسما می دانستند چطور ما را اذیت کنند. ناگهان می گفتند توالی رفتن ممنوع و درها را بروی ما می بستند. چند ساعت اول خودمان را نگه میداشتیم و سعی می کردیم سرگرم شویم که یادمان برود توالی داریم تا شاید پشیمان شوند و در را باز کنند. اما شوخی که نبود، گاهی دو روز توالی ممنوع می شدیم و مجبور بودیم فکری بکنیم. یکبار یک دبه پلاستیکی بزرگ را گذاشتیم روی تخت بالایی و هرکس دستشویی داشت می رفت آن بالا و کارش را می کرد. طفلی سیامک آدم خجالتی و همیشه نگرانی بود و دوست نداشت جلوی چشم همه و در آن شرایط ادرار کند. خودش را تا می توانست نگه داشت و وقتی که دیگر نمی توانست تحمل کند به آرامی از نردبان رفت بالا و خودش را رساند به دبه که دیگر تا لبه پر شده بود و با هر تکانی سر ریز می کرد. سیامک چنان خجلت زده و دستپاچه شده بود که هول شد و خورد به دبه و ناگهان دبه برگشت و افتاد پائین و محتویات آن به همه جا پاشید. همه جامون به گند کشیده شد. قیافه ماها را باید می

اما این دو تجربه تفاوت‌های فاحشی با هم داشتند و تاثیرات متفاوتی بر هر کدام از ما گذاشته بودند. ما در کردستان مسلح بودیم و آزاد (هرچند این آزادی هم نسبی بود) و در نقش ناجی مردم ظاهر میشدیم. ما داشتیم با یکی از هارتترین رژیم‌های دنیا می جنگیدیم و نفس بودن ما در منطقه به مردم قوت قلب می داد که مقاومت کنند و تن به سیاست‌های غیر انسانی آن ندهند. هرچند که سختی‌های زیادی را متحمل شده بودیم و از جسم و جان خود مایه گذاشته بودیم، اما مانند آنها که در زندان بودند تحقیر و سرکوب نشده بودیم و حرمت و شخصیت انسانیمان بدست یک‌عده سادیسیت پایمال نشده بود. بعلاوه ما به یمن منصور حکمت و نظریاتش، افق روشن و شفافی داشتیم و می دانستیم چکار می خواهیم بکنیم. علی‌رغم اینکه در دوران سختی زندگی می کردیم، اما متشکل بودیم و پرچم آرمانهایمان همچنان برافراشته بود. برای ما آسان بود که گذشته را تحلیل کنیم و با افتخار و پراثری به استقبال آینده برویم. برای دوستان ما که از زندانهای جمهوری اسلامی جان سالم بدر برده بودند، مسائل به این سادگی نبودند.

اوائل من تعجب می کردم که چطور مهران و حامد می توانند به آن راحتی و درحالی‌که می خندیدند و

دید. آنها از یادآوری این ماجرای وحشتناک قهقهه می زدند و من و علی و دیگرانی که در اتاق نشسته بودیم بزور لبخند می زدیم. وقتی خوب به این موضوع فکر کردم به این نتیجه رسیدم که مکانیسم دفاعی انسان ایجاب میکند که مشقات و سختی‌های زندگی را به فراموشی بسپارد و جنبه‌های خنده دار و کمیک آنرا بیشتر بیاد بیاورد. اگر اینطور نبود کسانی مانند حامد و مهران اصلا نمی توانستند با گذشته خودشان کنار بیایند. تازه متوجه میشدم که خود من هم و همه کسانی که خاطراتشان را تعریف می کردند به نوعی همین کار را می کردند. گذشته را باید بازگو کرد و از آن درس گرفت، اما دوباره زیستن لحظات درنگ زیاد جالب نیست.

زندگی با این جمع دوست داشتنی از یک جنبه دیگر هم برای من جالب بود. من و ثریا هر دو حامله بودیم و به لحاظ زمانی و مقطع حاملگی عین هم بودیم. هر روز علائم و شرایطمان را با هم مقایسه می کردیم و از تحولات درونی خودمان ذوق زده میشدیم. "تکون می خوره عین بال زدن پروانه است. تو هم این احساس را داری؟" پوست شکم می خار. فکر می کنم داره خط میندازه توهم؟" و به هم یادآوری می کردیم که یادمان نرود لیوان شیرمان را سر بکشیم و یا از میوه‌های تازه ای که آنروز خریده بودیم به هم تعارف می کردیم. اواخر زمستان بود که حال به هم خوردگیهای مداوم من شروع شد. راه نیم ساعته با دلمیش را مجبور میشدم دوبار پیاده شوم، دوان دوان خودم را به پشت دیواری برسانم و حالم بهم بخورد. بعد از آن چند

دقیقه ای در هوای آزاد می ایستادم که حالم کمی بهتر شود و دوباره سوار دلمیش بعدی میشدم. علی می گفت "اگر یکبار هم بری رو قبر آتاتورک حالت بهم بخورد، می توانی با خیال راحت اعلام کنی که همه ترکیه را به گند کشیدی" اوائلش نمی خواستم باور کنم حامله شده‌ام. قبلا هم برایم پیش آمده بود که دو ماهی پریدم به تاخیر افتاده بود و فکر کرده بودم حامله هستم و اشتباه کرده بودم. فکر می کردم شاید دوباره اشتباه می کنم و حالت تهوع هم اتفاقی بخاطر دود و آلودگی هواست. دفعه قبل که اشتباهی فکر کرده بودم حامله ام، یکسال قبل از آن و بعد از جنگ خلیج بود. وقتی که اختلافات درونی حزب در اوج بود و هنوز خبری از جدائی و آمدن به ترکیه نبود. آن‌دفعه من و علی خیلی ناراحت بودیم و نمی دانستیم چکار کنیم. با وجود اینکه بچه‌ها را خیلی دوست داشتیم و از اینکه از بابک و ژیان و رونک نگهداری کنیم، خوشحال می شدیم، اما خودمان صلا آمدگی بچه دار شدن نداشتیم و شرایط زمانی و مکانی زندگی ما هم بسیار نامساعد بود. آنروزها دیگر دکترهایی که کورتاژ می کردند هیچکدام در اردوگاه نمانده بودند و همه رفته بودند اروپا و دکتر و درمان عراق هم بخاطر جنگ چنان به هم ریخته و بی سرو سامان بود که نمی شد به آن امیدوی بست. حتی نمی توانستیم به آسانی برویم شهر و یک آزمایش حاملگی بدهیم. وضعیت زندگی و آینده ما هم آنقدر نامعلوم بود که فکر بچه دار شدن در آن شرایط انسان را دیوانه می کرد. من و علی حساسی حاملان گرفته بود و نمی دانستیم چکار کنیم. از طرف دیگر با بحث‌هایی که منصور حکمت در مورد سقط جنین کرده بود، کورتاژ و از بین بردن جنین در اذهان ما سخت تر شده بود. نوارهای بحث‌هایی که اعضای کمیته مرکزی وقت برای تدوین برنامه و بخش مربوط به سقط جنین کرده بودند، وسیعا در تشکیلات پخش شده بود و همه ما با علاقه، صحبت‌های متفاوت منصور حکمت و استدلال‌های طرف مقابل او را (اساسا خسرو داور) گوش کرده بودیم. با وجود اینکه منصور حکمت موافق بود که برنامه حزب کمونیست سقط جنین را تا ۱۲

هفتگی آزاد بداند و جامعه را موظف به ارائه امکانات و خدمات پزشکی و اجتماعی کافی برای مادر کند، اما اساسا با نفس سقط جنین مخالف بود و آنرا عملی غیر انسانی می دانست. بحث او در رابطه با سقط جنین اساسا یک دفاع فلسفی بود از حیات انسانی. او می گفت "اگر حیات انسانی در هر شکلی بی حرمت شود، حیات انسان‌های کنکرت، انسان‌های واقعا موجود بی ارزش میشود. حیات انسانی تقسیم پذیر و درجه بندی پذیر نیست، ربطی به استقلال و تحرك و سن و شعور و رنگ و جنسیت و ملیت و زمان و مکان و سالم و معلول بودن انسانها ندارد" همانطور که نمی توانیم افراد پیر و سالخورده را با این استدلال که خاصیتی برای جامعه ندارند و سریار آن شده اند، بکشیم، همانطور هم نباید به خودمان اجازه بدهیم که چون جنینی که هنوز تازه شکل گرفته معلوم نیست از کی حیات انسانی اش را شروع می کند و یا ممکن است وقتی بدنی می آید سریار پدر و مادرش شود، او را از حق حیات محروم کنیم. منصور حکمت سقط جنین را هم بعنوان یکی از معضلات جامعه سرمایه داری می دید که به انسان تحمیل شده است. اگر جامعه مسئولیت تضمین امنیت و آسایش کودکان را به عهده داشت، اگر بدنی آوردن یک کودک به معنی از دست دادن شغل مادر و فقر بیشتر پدر و مادر نبود، اگر مادر بخاطر بدنیا آوردن کودک رویاها و آینده اش پایمال نمی شد، اگر شخصیت و حرمت انسانی او و حتی گاها جانش در خطر نبود و اگر از آینده خودش و کودکش مطمئن بود، دلیلی وجود نداشت که کسی بخواهد جنینش را از بین ببرد. اما همه این مشکلات هست و اگر هم سقط جنین ممنوع شود، همانطور که در کشورهایی که ممنوع شده است، خلیلهای مخفیانه و در شرایط بسیار نامناسبی آنرا انجام می دهند، اینکار صورت خواهد گرفت و نه تنها حیات کودک بلکه در بسیاری از موارد حیات مادر هم به خطر می افتد. در نتیجه تا زمانی که این مشکلات اساسی ریشه کن نشده، سقط جنین هم باید قانونی و با استفاده از بهترین خدمات پزشکی و اجتماعی انجام شود.

ادامه دارد



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۰
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NLV۷۴ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷
phone # ۱-۳۶۰-۳۳۲۰-۵۷۱۱
Masoud Azarnoush
Account number: ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳
wire: ABA routing # ۰۶۶۰۰۹۴۳
Nrsswift code: BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB ۲L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلبریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامین و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند. همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. شستشوی مغزی است. با خواستهای:

- تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر
- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان
- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند
- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس
- از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

آگهی تلویزیون کانال جدید
تغییر فرکانس کانال جدید از ۲۶ آبان (۱۶ نوامبر)

فرکانس تلویزیون کانال جدید از روز ۲۶ آبان ماه (۱۶ نوامبر) از فرکانس کنونی ۱۱۲۰۰ به فرکانس ۱۱۶۴۲ منتقل میشود.

کانال جدید در حال حاضر و تا روز ۲۵ آبان بر روی دو فرکانس ۱۱۲۰۰ و ۱۱۶۴۲ پخش میشود.

فرکانس جدید کانال جدید را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات کانال جدید در شبکه کرد کانال به قرار زیر است:

مشخصات ماهواره هات برد: فرکانس ۱۱۶۴۲ - اف ای سی ۵/۶ افقی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه kurd channel

ساعات پخش: ۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران معادل ۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

تلویزیون کانال جدید همچنین از طریق اینترنت قابل مشاهده است.

www.newchannel.tv
www.rowzane.com

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید
۱۲ آبان ۱۳۹۱، ۲ نوامبر ۲۰۱۲

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!